

نقش رسانه تصویری در نقد و بررسی عملکرد مسئولان نظام اسلامی از دیدگاه فقه اسلامی^۱

علی سائلی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

غلام اکبر شناکری

طلبه سطح چهار حوزه علمیه

چکیده

آیا از دیدگاه فقه اسلامی، رسانه تصویری وظیفه دارد عملکرد مسئولان نظام اسلامی را نقد و بررسی کند؟ از آنجا که عنوان بحث جدید است، برای استنباط حکم آن به برخی عناوین فقهی مانند شرایط حاکم اسلامی، نصیحت ائمه مسلمین، امر به معروف و نهی از منکر و سیره حکومتی امیرالمؤمنین (ع) تمسک کرده و با بررسی کتب فقهی و حدیثی شیعه و سنی به این نتیجه می‌رسیم که بر اساس مبانی فقه اسلامی، رسانه تصویری ملی به عنوان یک شخص حقوقی و لسان و نماینده جامعه اسلامی، وظیفه دارد، عملکرد مسئولین نظام را نقد و بررسی کند، از کارهای خوب آنها تقدیر و تشکر نماید و ضعف‌ها و کم‌کاری‌ها را به آنان تذکر دهد. در پایان از دیدگاه فقه اسلامی، این نکته هم مستدل بیان شده است که هر کسی نمی‌تواند در رسانه تصویری عملکرد مسئولان نظام را نقد و بررسی نماید بلکه نقد و بررسی کننده عملکرد مسئولان نظام باید دارای برخی شرایط مانند متخصص بودن، آگاه بودن از مصلحت جامعه و رعایت آن، خالصانه بودن و پرهیز از دروغ، تهمت، و اهانت باشد.

واژگان کلیدی: وظیفه رسانه، عملکرد مسئولان نظام، نصیحت ائمه مسلمین، امر به معروف و نهی از منکر.

۱) مفاهیم و کلیات

۱.۱. **رسانه:** رسانه در لغت اسم آلت از مصدر رسانیدن و به معنای وسیله رسانیدن است (عمید، بی تا: ذیل واژه رسانه) و در اصطلاح علوم ارتباطات اجتماعی مقصود از رسانه وسیله رسانیدن پیام از پیام دهنده به پیام گیرنده است. (نسرین دانایی، ۱۳۸۸: ۱۷) رسانه تصویری به وسیله‌ای گفته می‌شود که پیام را از پیام دهنده به پیام گیرنده همراه با تصویر می‌رساند.

۱.۲. **انواع رسانه و کارکرد رسانه های جمعی:** رسانه دو نوع است؛ فردی و جمعی، رسانه های فردی به وسایلی گفته می‌شود که توسط آن ها پیام دهنده، پیام خود را به تعداد محدودی می‌رساند، وسایلی همچون تلفن، فکس و نامه و... رسانه های جمعی و همگانی به ابزار و وسایلی گفته می‌شود که توسط آن ها پیام دهنده به تعداد نامحدودی پیام خود را می‌رساند و یا لاقبل به تعداد زیادی از مخاطبان می‌رساند (همان). رسانه های جمعی انواع ذیل را دارند: ۱. رسانه های چاپی: مانند روزنامه، مجله و کتاب. ۲. رسانه های پخش میمانند: رادیو و تلویزیون. ۳. رسانه های رایانه ای مانند اینترنت، بانک اطلاعات. ۴. رسانه های خیابانی مانند: پوسترهای تبلیغاتی بدنه های اتوبوس، تابلوهای خیابانی. کارکردهای رسانه های جمعی عبارت است از آموزش، خبر رسانی، تفریح و سرگرمی، همگون سازی یعنی باعث می‌شود که سلیقه و خواسته های یک جامعه باهم نزدیک شود و فرهنگی یکنواخت شکل گیرد.

۱.۳. **تفاوت رسانه تصویری با سایر رسانه ها:** تفاوت رسانه تصویری با غیرتصویری عبارتست: یک رسانه تصویری هم از صدا و هم تصویر برای پیام رسانی استفاده می‌کند در حالی که دیگر رسانه ها از این مزیت برخوردار نیستند. دوم اینکه پیام ها و اطلاعاتی که از طریق رسانه تصویری به مخاطب می‌رسند روشن و دیرپاتر هستند.

۱.۴. **تعریف نقد در لغت و اصطلاح:** نقد در لغت در مقابل نسیه و جدا کردن درهم تقلبی از درهم واقعی و آشکار کردن معایب و محاسن کلام است (معین، بی تا: ۴۷۸۴) و در اصطلاح کلمه نقد بر آشکار کردن خوبی ها و بدی های یک چیز اطلاق می‌گردد.

۱.۵. **دین و رسانه:** آیا دین و رسانه باهم سازگار هستند یا نه سه دیدگاه وجود دارد، دیدگاه اول می‌گوید: به طور اساسی دین با رسانه سازگار نیست، دین، با رسانه بیگانه است، نمی‌شود برای تبلیغ دین از رسانه استفاده کرد (عابدی، ۱۳۹۲). دیدگاه دوم می‌گوید: اگرچه رسانه های مدرن، فرهنگ

نقش رسانه تصویری در
نقد و بررسی عملکرد
مسئولان نظام اسلامی
از دیدگاه فقه

خاص خود را دارند ولی آن‌چنان قدرتی ندارند که ضد دین باشند و جوه مشترک دین و رسانه یافت می‌شود (جلالی، بی تا: ۲۴). دیدگاه سوم می‌گوید: رسانه فقط یک ابزار است در ذات خود نه مخالف دین است و نه موافق دین این ابزار را می‌توان برای پیام‌رسانی استفاده کرد و می‌شود با این ابزار دین را تبلیغ کرد به نظر می‌رسد دیدگاه درست همین است.

۲) ادله لزوم نقد و نظارت عملکرد مسئولان نظام از دیدگاه فقه اسلامی

از دیدگاه فقه اسلامی نقد و نظارت بر مسئولان بسیار لازم و ضروری است زیرا فساد و صلاح مسئولان و حاکم اسلامی موجب فساد و صلاح جامعه می‌شود و صلاح جامعه در فقه اسلامی به قدری مهم است که برای آن مسئولیت‌هایی بر عهده فرد جامعه گذاشته شده است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (شعیری، بی تا: ۱۱۹) رسانه به عنوان نماینده و لسان افراد جامعه و نیز به عنوان یک شخصیت حقوقی که دارای تکلیف می‌باشد وظیفه دارد برای جلوگیری از فساد جامعه و اصلاح آن عملکرد مسئولان را نقد و بررسی کند.

دلیل اول: لزوم تداوم شرایط پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی

یکی از ادله که می‌توان برای لزوم بررسی عملکرد مسئولان نظام بیان کرد، شرایط حاکم اسلامی است که در فقه اسلامی بیان شده است. در فقه شیعه برای کسی که در جامعه اسلامی فرمانروایی می‌کند و هم چنین دیگر مسئولان نظام که مسئولیتی بعهده دارند شرایطی تعیین شده است باید آنها دارای ویژگی‌هایی باشند هر کسی نمی‌تواند مسئولیت اداره جامعه را بعهده بگیرد. مقتضای اصل اولی در مسئله ولایت و حکومت این است که حق ولایت و حکومت بر انسان‌ها فقط برای خداوند متعال است. در میان انسان‌ها هیچ‌کس حق ولایت و سرپرستی نسبت به دیگر افراد ندارد ولایت ذاتاً و بالاصاله برای خداوند متعال است و به اذن او و بالتبع برای دیگران ثابت می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶: ۱۶؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۱: ۲۷).

چنانچه پیامبر اسلام (ص) به اذن الهی حکومت، تشکیل داد و برای بعد از خود باذن الهی ولی و سرپرست تعیین کرد و هر امام، برای بعد از خود، امام بعدی را به اذن الهی، تعیین کرد و امام زمان (ع) برای دوران غیبت حاکم تعیین کرد اما نه یک نفر خاص بلکه برای حاکم ویژگی‌هایی را بیان کرد که باید حاکم اسلامی در دوران غیبت دارای این ویژگی‌ها باشد لذا نقد و کنترل حاکم اسلامی از نظر فقه شیعه به قدری مهم است که وقتی انتخاب می‌شود باید از نظر ویژگی‌ها کنترل

شود. باید دارای شرایط و خصوصاتی باشد که مهمترین آنها فقاقت، عدالت و تقوی و حسن تدبیر می‌باشند (طاهری، ۱۴۰۶: ۱۳۷؛ رجالی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

همین‌طور نزد اهل سنت هم هرکسی نمی‌تواند حاکم باشد. ماوردی برای حاکم هفت شرط را لازم می‌داند: عدالت، اجتهاد، سلامت حواس، سلامت اعضاء، تدبیر، شجاعت و قریشی بودن. (ماوردی، ۱۳۸۶: ۶).

بنابراین از دیدگاه فقه اسلامی هر کسی نمی‌تواند زمامدار جامعه اسلامی باشد زمامدار و حاکم اسلامی باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا برای زمامداری انتخاب شود، وقتی در حین انتخاب از نظر فقه اسلامی لازم باشد که حاکم اسلامی از نظر شرایط و ویژگی‌ها کنترل شود لازمه‌اش این است که در طول زمامداری هم باید نقد و کنترل شود و الا لغویت لازم می‌آید، و عقل هم حکم می‌کند که این کنترل مختص به حین انتخاب نیست باید دائماً نقد و نظارت باشد و همچنین برای مسئولان نظام هم لازم است که دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشند، زیرا هدف از کنترل ویژگی‌ها در حاکم اسلامی تحقق عدالت جامعه و در نتیجه آن رشد تعالی جامعه است و اگر این ویژگی‌ها در مسئولان نظام رعایت نشوند هدف فوت می‌شود. در نتیجه نقد و نظارت بر آنها هم لازم است و از آنجا که امروزه رسانه لسان جامعه محسوب می‌شود، این وظیفه رسانه است که با نمایندگی از جامعه اسلامی نقد و نظارت بر مسئولان نظام داشته باشد.

نقش رسانه تصویری در
نقد و بررسی عملکرد
مسئولان نظام اسلامی
از دیدگاه فقه

دلیل دوم: روایات دال بر لزوم نصیحت ائمه مسلمین

یکی از ادله لزوم نقد و بررسی عملکرد مسئولان نظام اسلامی احادیثی است که نصیحت به زمامداران و ائمه مسلمین را لازم می‌دانند.

مطابق قرآن و روایات همه انسان‌ها دائماً در معرض خطا و لغزش قرار دارند. به همین علت خداوند متعال به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که دائماً به مؤمنین تذکر دهید و نصیحت کند (ذاریات: ۵۵). زیرا ممکن است انسان خواسته یا ناخواسته دچار لغزش و خطا شود و هرچه مسئولیت انسان‌ها بیشتر و بزرگتر باشد خطرات خطا و اشتباه آن هم بزرگ‌تر و سنگین‌تر می‌شود، هم نسبت به خودش و هم نسبت به جامعه. لذا اسلام برای جلوگیری از آن دستور داده که افراد جامعه به یکدیگر نصیحت کنند و همین‌طور به ائمه مسلمین و زمامداران جامعه اسلامی نصیحت کنند. نصیحت در لغت از نصح به معنای خیرخواهی خالصانه است، نه به معنای موعظه کردن.

الف. روایات خاص دال بر لزوم نصیحت به ائمه مسلمین

روایت اول: امام صادق (ع) فرمود: سه خصلت را هر فرد مسلمانی باید داشته باشد، خالص کردن عمل برای خدا، خیرخواهی نسبت به پیشوایان مسلمین و همراه بودن با جماعت (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۴۰۲). طبق این حدیث (که سندش موثق است) هر مسلمانی وظیفه دارد که در هر عملی، نیت را برای خداوند متعال خالص کند و به ویژه در نصیحت به ائمه مسلمین اهداف دیگری نداشته باشد فقط برای رضایت الهی آن‌ها را نصیحت کنید تا جامعه اصلاح شود و همین‌طور به ویژه در همراهی با جماعت هم خلوص نیت داشته باشد از این حدیث معلوم می‌شود که نصیحت کردن به ائمه مسلمین یکی از وظائف افراد جامعه است.

روایت دوم: حضرت علی (ع) فرمود: اما حق من بر شما این است که با من وفادار باشید و در آشکار و نهان خیرخواهی کنید هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید (شریف الرضی، ۱۳۸۸: ۳۲). در این حدیث شریف امیرالمؤمنین در مقام بیان حقوق حاکم بر مردم می‌فرماید که از حقوق حاکم بر مردم اینست که به بیعت خود وفادار باشند همان‌طور که وفادار بودن به بیعت واجب است، اطاعت حاکم هم واجب است، و یکی از حقوق این است که به حاکم نصیحت کنند، یعنی بر مردم واجب است که به حاکم نصیحت کنند.

همچنین در کتب حدیثی اهل سنت هم روایاتی وارد شده که بر لزوم نصیحت به ائمه مسلمین دلالت دارند. به عنوان نمونه، در کتب اهل تسنن از پیامبر اکرم (ص) حدیثی نقل شده که در آن نصیحت به ائمه مسلمین از مصادیق دین شمرده شده است: «تمیم داری از نبی اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: دین عبارت است از نصیحت. ما سؤال کردیم نصیحت برای که؟ آن حضرت در جواب فرمود: نصیحت برای خدا و کتاب او و رسولش و برای ائمه مسلمین. (نووی، بی تا، ۲: ۳۷). نووی در شرح حدیث مذکور قول امام ابو سلیمان خطابی را نقل می‌کند که او می‌گوید: مراد از نصیحت به ائمه مسلمین این است که در حرف حق به آنها کمک کند و در حرف حق از آنها اطاعت کند و با لطف و نرمی به آنها تذکر بدهد و اگر از چیزی غفلت کنند آنها را آگاه کند (همان: ۳۸). طبق این حدیث قوام و ستون دین نصیحت است و یکی از مصادیق نصیحت که در حدیث ذکر شده نصیحت به ائمه مسلمین است. بنابراین می‌شود نتیجه گرفت که حفظ دین در گرو نصیحت به ائمه مسلمین است و حفظ دین، هم بدون شک از واجبات است و

در نتیجه نصیحت به ائمه مسلمین از واجبات خواهد بود. از این حدیث ثابت می‌شود که نقد و بررسی عملکرد مسئولین نظام اسلامی از نظر فقه اهل سنت از واجبات است. با توجه به این حدیث می‌توانیم این حکم را استنباط کنیم که از نظر اهل تسنن نقد و بررسی عملکرد مسئولین نظام از واجبات دینی است و رسانه‌های تصویری نیز مخاطب این تکلیف می‌باشد.

ب. روایات عام دال بر وجوب نصیحت

پیش‌تر روایاتی ذکر شد که دال بر وجوب نصیحت به ائمه مسلمین بودند. در ذیل روایاتی را ذکر می‌کنیم که دلالت بر وجوب نصیحت به مؤمن بطور عام می‌کنند که آنها شامل نصیحت به ائمه مسلمین و مسئولین نظام هم می‌شوند.

روایت اول: بر انسان مؤمن واجب است که برادر مؤمن خود را نصیحت کند و خیر خواه او باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۳۸۱).

روایت دوم: بر انسان مؤمن واجب است که در حضور و غیاب برادر مؤمن خود خیر خواه او باشد (همان).

روایت سوم: امام باقر(ع) فرمود: بر انسان مؤمن واجب است که خیر خواه دیگر مؤمنین باشد (همان: ۳۸۲). هر سه روایت مذکور از لحاظ سند صحیح هستند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۹: ۱۴۲).

روایت چهارم: امام باقر(ع) فرمود: هر یک از شما همان‌گونه که خیرخواه خویش است باید خیرخواه برادرش نیز باشد (حرعاملی، همان، ۳۸۲). این روایت اگرچه از نظر سند ضعیف است، ولی از نظر دلالت بر مدعا (وجوب نصیحت کردن به مؤمن) خوب است؛ زیرا در این روایت صیغه امر آمده و امر شده که انسان باید طوری خیرخواه و مراقب برادر مؤمن خودش باشد که خیرخواه و مراقب نفس خودش است و امر، هم ظهور در وجوب دارد. شیخ اعظم انصاری به طور سر بسته می‌فرماید که برخی اخبار ظهور در وجوب نصیحت دارند، شاید مرادش همین روایاتی باشد که نقل شد. ایشان در بحث مستثنیات غیبت می‌فرماید که اگر مفسده عدم نصیحت به مؤمن بیشتر از غیبت کردن مؤمن باشد، در این صورت اگرچه نصیحت موجب ارتکاب غیبت می‌شود ولی نصیحت مقدم است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۱: ۳۵۱). لذا از جواز غیبت در مقام نصیحت هم می‌شود استنباط کرد که نصیحت واجب است. اگر نصیحت یک حکم استحبابی بود نمی‌شد که برای حکم استحبابی ارتکاب حرمت کرد.

نقش رسانه تصویری در
نقد و بررسی عملکرد
مسئولان نظام اسلامی
از دیدگاه فقه

از بحث گذشته بدست می‌آید که در منابع حدیثی ما دو دسته روایات وجود دارد: یک دسته روایاتی است که مضمون و محتوای آنها می‌گوید که بر مؤمن، واجب است خیرخواه برادر مؤمن خود باشد، به او نصیحت کند و راه و چاه را به او نشان دهد و از خطرات و فواید، آگاه سازد، عموم این روایات شامل مسئولین و دست‌اندرکاران جامعه اسلامی هم می‌شود، زیرا آنها هم مصداق مؤمن هستند. در نتیجه از وظائف افراد جامعه اسلامی است که خیرخواه یکدیگر باشند و به یکدیگر راه و چاه را نشان بدهند.

دسته‌ی دیگر روایاتی هستند که در کتب حدیثی فریقین در خصوص خیرخواهی برای ائمه مسلمین و نصیحت کردن به آنها وارد شده‌اند که از بحث گذشته ثابت شد که مضمون این روایات این بود که بر افراد جامعه اسلامی، واجب است که خیرخواه حاکم اسلامی و مسئولان نظام باشند. با توجه به این دسته از روایات از نظر فقهی بر افراد جامعه واجب است که مسئولان نظام را نصیحت کنند و نصیحت یعنی اینکه نصیحت‌کننده برای مخاطب خود، خیر و صلاح و راهنمایی می‌خواهد و هیچ هدف دیگری ندارد. بنابراین اگر نقد و بررسی عملکرد مسئولان نظام هم با این هدف باشد همان نصیحت خواهد بود در نتیجه می‌توانیم بگوئیم که نقد و بررسی عملکرد مسئولین نظام از وظائف افراد جامعه است. از آنجا که امروزه، رسانه تصویری (تلویزیون) نماینده مردم شناخته می‌شود و هر حرفی یا پیامی یا انتقادی که مردم می‌خواهند به گوش کسی برسانند بهترین روش این است که از رسانه استفاده کنند، لذا این وظیفه رسانه است که عملکرد مسئولین نظام را نقد و بررسی نمایند.

دلیل سوم: امر به معروف و نهی از منکر

یکی از ادله که برای لزوم نقد و بررسی عملکرد مسئولان نظام توسط رسانه تصویری بیان می‌شود وجوب امر به معروف و نهی از منکر است که بر اساس آن تمام افراد جامعه موظف هستند نسبت به انحرافات پدید آمده در جامعه بی‌تفاوت نبوده و مبارزه با این انحرافات را وظیفه شرعی و قانونی خود بدانند؛ زیرا بی‌توجهی نسبت به اعمال و رفتار دیگران در حقیقت بی‌توجهی به سرنوشت خویش است، اگر فساد و گناه و فحشاء و منکر در جامعه شیوع یابد آثار نامطلوب آن دامن‌گیر همه افراد جامعه خواهد شد از آنجا که انسان، دائم در معرض خطا است چنانچه

خالق متعال درباره انسان می‌فرماید: «نفس انسان بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر اینکه پروردگارش، رحم کند و پروردگارش غفور و رحیم است» (یوسف: ۵۳).

از آنجا که انحراف مسئولین نظام، نسبت به یک فرد عادی به مراتب، برای جامعه، ضررش، سنگین و بزرگ است، لذا امر به معروف و نهی از منکر کردن به مسئولین نظام و نقد و بررسی عملکرد آنها اهمیتش، خیلی زیاد خواهد بود.

چنانچه طبق روایات سکوت در برابر انحرافات حاکم مذمت شده، در روایتی امام حسین (ع) می‌فرمایند: ای مردم، پیامبر خدا فرمود: کسی که حکومت ستمگری را مشاهده کند که حرام خدا حلال شمرده، عهد خدا را شکسته، با سنت‌های رسول خدا مخالفت می‌ورزد و در میان مردم، با گناه و ستمگری حکم می‌کند، ولی با عمل و گفتار علیه وی نشورد بر خدا روا است وی را نیز در جایگاه همان حاکم جائز وارد کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۳۸۲). و برای همین است که در برخی روایات برای موعظه و تذکر دادن به حاکم، پادشاه زیادی بیان شده است (حرعاملی، همان: ۱۳۴).

همچنین در کتب حدیثی اهل سنت آمده است که ابن عباس از رسول خدا نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: سید الشهداء، یکی حمزه بن عبدالمطلب است و دیگری مردی است که بر علیه حاکم ظالم قیام کند و به او امر به معروف و نهی از منکر کند و در این راه کشته شود (هیشمی، ۱۴۰۸، ۷: ۲۶۶). طبق این حدیث امر به معروف و نهی از منکر به حاکم، آن قدر اهمیتش زیاد است که رسول اکرم (ص) می‌فرماید که اگر کسی در این راه کشته شود او مانند حمزه بن عبدالمطلب سیدالشهداء است. نووی می‌گوید: امر به معروف و نهی از منکر به اجماع امت فرض کفایی است و از با عظمت‌ترین قواعد اسلام است (نووی، بی‌تا، ۷: ۴۲۰).

طبق آیات و روایات وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر دوش افراد جامعه گذاشته شده است تا برای اصلاح جامعه با انحرافات، مبارزه کنند و برای ترویج خوبی‌ها سعی و تلاش کنند. همان‌طور که امر به معروف و نهی از منکر نسبت به فرد عادی واجب است، نسبت به مسئولین نظام هم واجب است، لذا به‌عنوان امر به معروف و نهی از منکر نقد و بررسی عملکرد مسئولین برای اصلاح جامعه از واجبات است و رسانه ملی تصویری به عنوان نماینده و لسان افراد جامعه و نیز به عنوان یک شخصیت حقوقی که دارای تکلیف می‌باشد و وظیفه دارد برای اصلاح جامعه و

نقش رسانه تصویری در
نقد و بررسی عملکرد
مسئولان نظام اسلامی
از دیدگاه فقه

جلوگیری از فساد، عملکرد مسئولین را نقد و بررسی نماید؛ بلکه به با توجه به قدرت رسانه‌ی تصویری و بُرد اجتماعی آن، این وظیفه نسبت به او شدیدتر و مهمتر است.

دلیل چهارم: سیره حکومتی امیرالمؤمنین (ع)

از نامه‌هایی که حضرت علی (ع) به والیان و کارگزاران خود نوشتند و برخوردی که با آنها داشتند به خوبی استنباط می‌شود که نقد و نظارت بر عملکرد مسئولان و کارگزاران هم لازم است. در ذیل چند نمونه ذکر می‌شود.

نمونه اول: نصیحت به تقوی: در عهد نامه مالک اشتر امیر المؤمنین به ایشان امر نمودند که تقوی پیشه کند و با دل و زبان و دست، دین خدا را یاری نماید. (شریف رضی، ۱۳۷۹، ۹۹۲). از این دستور امیرالمؤمنین واضح و روشن است که هر کسی نمی‌تواند مسئولیتی در حکومت اسلامی بعهدہ بگیرد باید تقوی داشته باشد و با همه توانایی‌های خود، دین خدا را یاری نماید.

نمونه دوم: دستور به انتخاب کارگزاران بعد از احراز صلاحیت: پس در کارهای عمال و کار گزارانت نظر و اندیشه کن، و چون آنان را تجربه و آزمایش نمودی به کار، وادار (تا دیانت و راستی و درستیشان را نیازموده‌ای بکاری مگمار). (همان: ۱۰۱۲) در قسمت یازدهم عهد نامه مالک اشتر آمده که اگر خواستی به کسی مسئولیتی دهی اول او را آزمایش کن وقتی از شایستگی و صلاحیت او مطمئن شدی، آن مسئولیت را بعهدہ او بگذار این یعنی اینکه از نظر فقه شیعه در نظام اسلامی لازم است که تمام مسئولین نظام، کوچک و بزرگ قبل از انتخاب باید از نظر صلاحیت و ویژگیها، کنترل شوند و بعد از احراز صلاحیت، به کاری گمارده شوند و لازمه آن اینست که در طول مدت مسئولیت هم بر آنها نقد و نظارت باشد و بررسی شود که ویژگیهای لازم را حفظ کردند یا نه؟ و از سیره حکومتی امیر المؤمنین استنباط می‌شود که نقد نظارت بر مسئولین نظام هم از وظائف حاکم اسلامی است هم از وظائف مردم، مردم باید تخلفات مسئولین نظام اسلامی را به حاکم اسلامی گزارش کنند تا ایشان رسیدگی نماید چنانچه در سیره عملی امام علی (ع) هست که ایشان افرادی را مامور می‌کرد تا عملکرد کار گزارانش را بررسی و به ایشان گزارش کنند.

به کعب بن مالک نوشت: بر حوزه خدمت خود کسی را جانشین بگذار و با گروهی از کسان خود بیرون رو تا بزمین شهرستان سواد بگذری و در میان دجله و عذیب از کارمندان من پرسش

کنی و در روش ایشان بنگری، سپس تا بهقبادها بازگرد و همراهی با آنها را به عهده گیر و فرمان خدا را در آنچه از این سرزمینها در عهده تو نهاده به کار بر، و بدان که هر کار پسر آدم بحساب او می آید و بدان پاداش داده می شود، پس نیکی کن، خدا با ما و با تو نیکی کند و از آنچه انجام دادی براستی مرا آگاه ساز والسلام (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲: ۱۲۰).

نمونه سوم: برکناری از مسئولیت: گاهی امام علی(ع) در حین بررسی و رسیدگی به شکایات مردم از مسئولین نظام، اگر لازم بود آنها را از مسئولیت شان برکنار می کرد، چنانچه یکی از مسئولین جمع آوری زکات را به خاطر شکایت برکنار کرد (اربلی، ۱۳۸۱، ۱: ۱۷۴).

از سیره عملی امام علی(ع) ثابت می شود که شکایات مردم نسبت به کارگزاران و مسئولین نظام را سریع رسیدگی می نمودند و مردم هم بر عملکرد مسئولین نظام و کارگزاران نقد و نظارت داشتند و شکایات خود را به حاکم اسلامی ارائه می دادند و آن حضرت تصمیم لازم را می گرفتند، چنانچه منذر بن جارود عبدی که از طرف امیرمؤمنان(ع) بر «اصطخر» - یکی از شهرهای ایران که با شیراز دوازده فرسخ فاصله داشت - (حموی، ۱۹۹۵، ۱: ۲۱۱) حکومت می کرد، کارهای خلافی از او دیده شد و به حضرت گزارش رسید. آن حضرت پس از ارسال نامه ای شدیدالحن، او را به کوفه احضار فرمود و اولین تصمیمی که درباره اش اتخاذ نمود، عزل و برکناری او بود (یعقوبی، همان، ۲: ۱۱۸).

از بحث گذشته، این امر به اثبات رسد که از نظر فقه شیعه و اهل تسنن رسانه‌ی تصویری وظیفه دارد که عملکرد مسئولین نظام را نقد و بررسی کند و کجروی‌ها و غفلت‌ها را به آنها تذکر دهد و از کارهای خوب آنها قدردانی نماید و با آنها همکاری نماید.

۳) شرایط نقد و بررسی عملکرد مسئولین نظام

از بحثی که انجام گرفت به این نتیجه رسیدیم که از دیدگاه فقه فریقین یکی از وظایف رسانه تصویری این است که بر مسئولین نظام نقد و نظارت داشته باشد. ولی توجه به این نکته لازم است که کسانی که عملکرد مسئولین را نقد و بررسی می کنند باید شرایط لازم را داشته باشند. این طور نیست که هر کسی که رسانه‌ای در دست دارد می تواند هر انتقادی به ذهنش رسید، نشر بدهد. کسی که نقد و بررسی می کند باید مصالح جامعه را هم بداند و از اصول نقد و بررسی آگاه

باشد و نقد و بررسی را خالصانه انجام بدهد. لذا به برخی شرایطی که نقد و بررسی کننده مسئولین نظام باید داشته باشد، اشاره می‌کنیم:

۳.۱. متخصص و کارشناس بودن نقد کننده

یکی از شرایط نقد این است که نقد کننده در موضوعی که نقد و نظارت می‌کند تخصص و مهارت داشته باشد. آیا هر کسی می‌تواند هر چیزی را نقد کند؟ مثلاً کسی که در فیلم‌سازی دانش، تجربه و تبحری ندارد، آیا می‌تواند آثار سینمایی فیلم‌سازان را نقد کند؟ یا کسی که در خواص گیاهان تخصص و تجربه‌ای ندارد، می‌تواند کتابی که در زمینه خواص میوه‌جات و سبزی‌جات نوشته شده است، اظهار نظر تخصصی نماید؟ بی‌شک پاسخ این سوالات منفی است. واضح است که منتقد باید خود در زمینه‌ای که نقد می‌کند دارای تخصص و تجربه و دانش در خوری باشد که ما او را به عنوان داور و ارزیاب بپذیریم و داوری و رایزنی او را قبول کنیم و دلیل آن هم وجدان است، زیرا نقد غیرکارشناس و غیرمتخصص را هیچ کس درست نمی‌داند، در فقه هم بر آن شاهد داریم در فقه بحثی به عنوان نقد و انتقاد نداریم، ولی نهی از منکر همان نقد و انتقاد است و در باب امر بالمعروف و نهی از منکر فقهاء بحثی دارند بعنوان شرایط امر به معروف و نهی از منکر و چهار شرط برای آن ذکر می‌کنند که اولین شرط این است که امر کننده و نهی کننده باید عالم به معروف و منکر باشد.

علامه در متهی بعد از ذکر این شرط می‌فرمایند که در لزوم این شرط بین علماء خلافتی نیست و در ذکر دلیل این شرط می‌گوید که شرط علم برای این است که امر و ناهی در معروف و منکر اشتباه نکند، زیرا اگر عالم نباشد ممکن است اشتبهاً از معروف نهی کند و به منکر امر کند (حلی، ۱۴۱۲، ۱۵: ۲۳۸).

فرق بین نقد و نهی از منکر: توجه به این امر ضروری است که بین انتقاد و نهی از منکر فرق وجود دارد، زیرا بین آنها نسبت عموم و خصوص مطلق است، هر نهی از منکر انتقاد هم است ولی لازم نیست هر انتقادی نهی از منکر باشد، زیرا انتقاد می‌تواند گاهی سلیقه‌ای باشد و به راهکارهای حصول یک هدف انتقاد وارد شود و انتقاد کننده به مسئولین نظام می‌گوید که راهکار و روش شما برای حصول فلان هدف صحیح نمی‌باشد، در این صورت نقد و انتقاد هست، ولی نهی از منکر نیست؛ زیرا او حرامی مرتکب نشده به نظر خودش آن راهکار را برای حصول آن هدف بهتر

دانسته، لذا رسانه موظف است که مسئولینی که عملکردشان از رسانه نقد شده به رسانه دعوت کنند و فرصت دفاع بدهند تا حق کسی ضائع نشود. هم چنین اگر انتقاد کننده یکی از مسئولین را در رسانه تصویری متهم به یک کار خلاف کرد باید در همین رسانه به او اجازه دفاع هم داده شود تا بینندگان حرف‌های متهم کننده و جواب اتهام را باهم بسنجند و عدالت برقرار شود؛ چنانچه در باب قضاء هست که قاضی نمی‌تواند طبق ادعای مدعی قضاوت کند اگرچه بینه بیاورد تا وقتی جواب و دفاعیه مدعی علیه را گوش نکند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۸۷).

۳.۲. خالصانه بودن نقد و بررسی

یکی از چیزهایی که در نقد و انتقاد لازم است رعایت شود خلوص نیت است. انتقاد کننده هیچ غرض شخصی از نقد نداشته باشد و انتقاد فقط برای اصلاح باشد؛ زیرا انتقاد دو نوع است یک انتقاد سازنده و دیگری انتقاد ویرانگر. از دیدگاه فقه شیعه مراد از نقد و بررسی که لازم است از عملکرد مسئولین نظام انجام گیرد، نقدی است که خالصانه باشد و برای اصلاح جامعه باشد؛ زیرا ما برای اثبات لزوم نقد و بررسی عملکرد مسئولین نظام از وجوب امر به معروف و نهی از منکر و وجوب نصیحت به ائمه مسلمین و وجوب نصیحت به مؤمن استفاده کردیم، و در هر کار واجبی لازم است نیت انسان خالص باشد و از اغراض شخصی، پاک باشد و فقط برای رضای الهی، انجام دهد. واژه نصیحت هم در لغت به معنای خالص شدن یک شیء است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲: ۶۱۵). نصیحت به معنای این ست که بدون هیچ غرض شخصی فقط برای مصلحت دنیوی یا اخروی، کسی را ارشاد و راهنمایی کند لذا انتقادهای برخاسته از حسدها و غرض‌ورزی‌ها و... نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه وضع را بدتر می‌سازند؛ علاوه از این انسان کینه‌توز و انتقام‌جو و حاسد نمی‌تواند به انتقاد درست دست یابد. چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: نصیحت و خیرخواهی از حسود، محال است (صدوق، ۱۴۱۳، ۴: ۵۸). لذا کسی که به بهانه انتقاد می‌خواهد انتقام شخصی و یا گروهی خود را از دیگران بگیرد، در نقد، جناحی برخورد کند و هدفش این باشد که جناح مورد پسند خود را هر طور شده تبرئه کند و جناح مخالف را مقصر جلوه بدهد و بخواهد دیگران را تخریب کند این نوع نقد و بررسی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه به مشکلات جامعه می‌افزاید.

نقد و بررسی عملکرد مسئولان نظام اسلامی از دیدگاه فقه

۳.۳. رعایت مصلحت عامه

در فقه شیعه حفظ مصلحت عامه واجب است و حفظ آن بر دیگر احکام تقدم دارد. هر جا دو حکم شرعی و دو مصلحت باهم تزامم داشته باشند، طبق اقوی المصلحتین حکم می‌شود. (انصاری، ۱۴۱۵ [الف]، ۱: ۲۴۲). بنابراین واجب است که مصلحت عمومی در نقد عملکرد مسئولین نظام هم رعایت شود. نقد طوری نباشد که مصلحت عمومی و مصالح نظام به خطر بیافتند. مثلاً نوع نقد اگر طوری باشد که دشمنان نظام اسلامی می‌توانند علیه منافع ملی سوء استفاده کنند و ضرر این سوء استفاده بیشتر از فائده نقد باشد، لازم است که از آن پرهیز شود و یا حد اقل رسانه‌ای نشود.

۴) شیوه های نقد

هر کاری که واجبات و محرمانی دارد، باید عامل، آنها را یاد بگیرد و طبق آن عمل نماید. کسی هم که عملکرد مسئولان نظام را نقد می‌کند، باید واجبات و محرمان آن را یاد بگیرد تا واجبی ترک نشود و مرتکب حرامی نشود. پیش‌تر به برخی واجبات اشاره کردیم و در ذیل به برخی محرمان این کار اشاره می‌کنیم که ممکن است نقد و بررسی کننده عملکرد دیگران، مرتکب آنها شود.

۴.۱. پرهیز از دروغ در نقد: یکی از محرمانی که نقد کننده ممکن است مرتکب آن شود، دروغ

است. نقد کننده حق ندارد در حین نقد و بررسی دروغ بگوید؛ زیرا دروغ بدون شک از محرمان است. در نقدی که وارد نیست به عنوان نقد مطرح کند یا نقد کوچکی را بزرگ‌نمایی کند و در بیان آن مبالغه نماید و مبالغه در بیان نقاط ضعف هم یکی از مصادیق دروغ است (امام خمینی، ۱۴۱۵، ۲: ۵۴). باید از این کار پرهیز شود، به اصطلاح سیاه‌نمایی نباید انجام بگیرد اگر در انتقاد از دروغ، سیاه‌نمایی و شایعه‌پراکنی استفاده کرد، دیگر نمی‌تواند انتقاد، سازنده باشد و از مصادیق نقد و بررسی که لزوم آن را ثابت کردیم خارج می‌شود و اهداف و انگیزه‌های آن هم شیطانی خواهد بود.

۴.۲. پرهیز از اهانت در نقد و بررسی: یکی از محرمانی که نقد کننده ممکن است به آن مبتلا

شود و در معرض ارتکاب آن است، اهانت به نقد شونده است. ناقد باید مراقب باشد که از تعبیرات و کلماتی استفاده نکند که اهانت به نقد شونده محسوب شود زیرا اهانت به مؤمن یکی از گناهان بزرگ است (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱: ۵۹).

۴.۳. پرهیز از عیب‌جویی: نقد و بررسی کننده عملکرد مسئولین نظام، باید از عیب‌جویی،

پرهیز نماید؛ زیرا یکی از کارهایی که در آیات و روایات به شدت، نهی شده، عیب‌جویی از

دیگران است. چنانچه در قرآن مجید، عیب‌جو، تهدید به عذاب شده است «برای هر عیب جوی بدگو ویل است» (همزه: ۱). در روایت نیز آمده است: «آیا شما را از شریرترین افراد خبر دهم؟ گفتند: آری، رسول خدا فرمود: آنها که بسیار سخن‌چینی می‌کنند، در میان دوستان جدایی می‌افکنند، و برای افراد پاک و بی‌گناه در جستجوی عیوبند» (کلینی، همان، ۲: ۳۶۹). در حدیثی دیگر امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: بدترین مردم کسی است که دنبال عیوب مردم باشد و کور عیوب خود (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۱).

تفاوت بین نقد و عیب‌جویی: نقد و بررسی کننده عملکرد مسئولین نظام موظف است که ضعف‌ها را بیان کند و راه حل‌ها را هم بیان نماید. بیان ضعف‌ها همان عیب‌جویی می‌شود که از دیدگاه قرآن و روایات به شدت منع شده است پس چگونه این تعارض حل می‌شود؟ جواب این است که نقد و عیب‌جویی از لحاظ منشا باهم تفاوت دارند. منشأ عیب‌جویی، حسادت و انتقام‌جویی و خودخواهی و خباثت نفس است، ولی خاستگاه انتقاد، رشد و اصلاح جامعه، نوع دوستی و عواطف انسانی و تعهد ایمانی است (انگیزه فاعلی). همچنین هدفی که عیب‌جو به دنبال آن است آزردهی و تخریب شخصیت و در هم شکستن طرف مقابل خویش است، در حالی که غرض انتقادگر، اصلاح و زدودن عیوب و رو به کمال بردن شخص مورد انتقاد است (انگیزه غایی).

نقش رسانه تصویری در
نقد و بررسی عملکرد
مسئولان نظام اسلامی
از دیدگاه فقه

۴.۴.۴. اجتناب از تهمت زدن: یکی از محرماتی که نقد و بررسی کننده عملکرد مسئولین نظام ممکن است مرتکب آن شود و در معرض ابتلا به آن است تهمت زنی و متهم کردن است. کسی که غرضش اصلاح و زدودن عیوب باشد، نمی‌تواند مرتکب تهمت شود، زیرا کسی که بدون دلیل علیه مردم حرف می‌زند و الزام‌تراشی می‌کند و کارهای ناکرده را به دیگران نسبت می‌دهد محال است که اصلاح‌گر باشد و این کار، نه تنها باعث اصلاح نمی‌شود بلکه باعث فساد و عقب ماندگی جامعه می‌شود، و بهتان حرام است و از گناهان کبیره شمرده شده است (نجفی، همان: ۵۹).

۴.۵. پرهیز از برخورد متکبرانه: نقد و بررسی کننده عملکرد مسئولین نظام باید از رفتار متکبرانه پرهیز نماید، برخورد و رفتار لازم است که متواضعانه باشد؛ رفتار و برخورد مغرورانه و متکبرانه علاوه از این که در اصلاح مخاطب تاثیر منفی دارد و در آیات (لقمان: ۱۸) و روایات (کلینی، همان، ۳: ۷۵۴) از رفتار متکبرانه نهی شده است و در کتب فقهی تکبر از گناهان بزرگ شمرده شده است (نجفی، همان، ۱۳: ۳۱۲). همچنین مستحب است نمازگزار از آنچه منافی با

خشوع است و نیز هر عملی که رنگ و بوی کبر دارد اجتناب ورزد (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۶۱۳) و پوشیدن لباسی که موجب تکبر می شود در نماز کراهت دارد (همان: ۵۷۳)

جمع بندی و نتیجه گیری

درپژوهش حاضر با بحث و بررسی مسئله به نتایج ذیل دست یافتیم:

۱. از دیدگاه فقه اسلامی، با توجه به ادله‌ای مانند احادیث و جوب نصیحت ائمه مسلمین و اصل امر به معروف و نهی از منکر و سیره حکومتی مولای متقیان علی(ع) و...، رسانه تصویری وظیفه و جویی دارد که عملکرد مسئولین نظام را نقد و بررسی نماید.
- ۲- از دیدگاه فقه فریقین نقد و بررسی کننده عملکرد مسئولین نظام باید دارای ویژگی‌هایی باشد، مانند اینکه متخصص و مخلص باشد و رعایت مصالح عمومی جامعه را بنماید.
- ۳- از دیدگاه فقه اسلامی در نقد و بررسی عملکرد مسئولان نظام باید از امور محرّمی همچون دروغ، اهانت، عیب جویی، تهمت و برخورد متکبرانانه اجتناب کرد.

منابع

- ابن منظور، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)؛ کشف الغمّة فی معرفة الأئمّه، تبریز، بنی هاشمی.
آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، بی نا.
انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)؛ القضاء و الشهادات، قم، نشر کنگره بزرگداشت شیخ انصاری(ره).
انصاری، مرتضی (۱۴۱۵[الف])؛ المکاسب، قم، نشر کنگره بزرگداشت شیخ انصاری(ره).
جلالی، عبدالله (بی تا)، پایان نامه به عنوان «نظام هنجاری اطلاع رسانی در فقه شیعه» دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، قم.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت(ع).
حموی، شهاب الدین (۱۹۹۵)؛ یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.
خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵)؛ المکاسب المحرمه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
دانایی، نسرتین (۱۳۸۸)؛ رسانه شناسی، تهران، مبنای خرد.
رجالی، علی رضا (۱۳۸۹)؛ ولایت فقیه در عصر غیبت، قم، انتشارات نبوغ.
شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام) - تهران، مؤسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام.
شعیری، محمد بن محمد (بی تا)؛ جامع الاخبار، نجف، مطبعة حیدریه.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)؛ من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طاهری، حبیب الله (۱۴۰۶)؛ تحقیقی پیرامون ولایت فقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)؛ میزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عابدی، احمد (۱۳۹۲)؛ بررسی احکام فقهی رسانه، پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه پژوهشی فرهنگی فهیم، ۱۴ اردیبهشت.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲)؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
- عمید، حسن (بی تا)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، چاپخانه سپهر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)؛ الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ماوردی، علی بن محمد بغدادی (۱۳۸۶)؛ الاحکام السلطانیة والولايات الدینیة، مکه، توزیع دار التعاون للنشر والتوزیع.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)؛ بحارالانوار، بیروت، دار حیاء التراث العربی.
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹)؛ دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نوی، ابو زکریا محیی الدین بن شرف الدمشقی (بی تا)، روضه الطالبین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- نوی، ابو زکریا محیی الدین بن شرف الدمشقی (بی تا)، شرح صحیح مسلم، بیروت، دارالکتب العربی.
- هیشمی، نورالدین علی بن ابوبکر (۱۴۰۸)؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- یزدی، سیدمحمدکاظم طباطبایی (۱۴۰۶)؛ العروة الوثقی فیما تعم البلوی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب (۱۳۷۱)؛ ترجمه تاریخ یعقوبی، مترجم، محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

نقش رسانه تصویری در
تقد و بررسی عملکرد
مسئولان نظام اسلامی
از دیدگاه فقه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی